

بررسی تأثیرپذیری سید مصطفی حسینی طباطبایی از اهل تسنن

چکیده: سید مصطفی حسینی طباطبائی متولد سال ۱۳۱۴ است. او یکی از قرآنیان شیعه است؛ قرآنیان کسانی هستند که به انکار افراطی احادیث می‌پردازند. وی به نقد برخی مبانی شیعه می‌پردازند که بیان‌گر متأثر بودن او از اهل تسنن است. ایشان مسائلی مانند: توسل به اهل بیت علیهم‌السلام و زیارت اهل بیت علیهم‌السلام را صحیح نمی‌داند. برخی اعیاد و مناسبت‌های شیعی مانند: تولد و شهادت اهل بیت علیهم‌السلام را ساخته‌ی مردم می‌داند. او فقط عید فطر و عید اضحی (قربان) را عید اسلام می‌داند. وی به فقه اهل تسنن عمل می‌کند و برخی کتاب‌های او در عربستان منتشر شده است و برخی وبسایت‌ها متعلق به عربستان و اهل تسنن به نشر الکترونیکی آثار او می‌پردازند. همه‌ی موارد ذکر شده بیان‌گر تأثیرپذیری مصطفی حسینی طباطبایی از اهل تسنن می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: مصطفی حسینی طباطبایی، قرآنیان شیعه، توسل، زیارت.

دکتر حسین محمدی فام
دانش‌آموخته‌ی دکتری مذاهب
کلامی دانشگاه ادیان و
مذاهب
hosseinfam110@gmail.
com

سید مجید نبوی
(نویسنده‌ی مسئول)
دانشجوی دکتری قرآن و
حدیث دانشگاه اراک
majidnabavi1366@gmail.
com

تاریخچه‌ی مقاله
دریافت: ۱۳۹۷/۸/۷
پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۲۱

۱. مقدمه

در سده‌های اخیر در ایران جریان‌های اصلاحگری دینی به وجود آمدند که هر کدام روش‌ها و مبانی خاصی برای اصلاحگری داشتند. یکی از این جریان‌ها، جریان قرآنیان شیعی است. سیدمصطفی حسینی طباطبایی که متولد ۱۳۱۴ شمسی است یکی از افراد این جریان است. قرآنیان کسانی هستند که برای احادیث اهمیت لازم را قائل نمی‌شوند و بسیاری از احادیث را جعلی و ناصحیح می‌دانند. برخی از آنها تعداد محدودی از احادیث را صحیح می‌دانند و برخی دیگر هیچ حدیثی را صحیح نمی‌دانند و فقط قرآن را ملاک اعتقاد و عمل می‌دانند.

سید مصطفی حسینی طباطبائی با نقد مبانی تشیع و رد احادیث، از برخی عقاید امامیه فاصله گرفته است. او با نقد افراطی عقاید شیعی به مخالفت با آنها می‌پردازد و قرآن را مهم‌ترین منبع دریافت عقاید و احکام الهی می‌داند و به رد احادیث شیعی می‌پردازد.

در نگارش پیش‌رو، به بررسی حیات علمی او و تأثیرپذیری او از اهل تسنن پرداخته می‌شود. البته لازم به ذکر است که این نگارش، درصدد رد تمامی افکار و عقاید و کتاب‌های ایشان نیست چرا که از ایشان آثاری مثل نقد سلمان رشدی و نقد آراء خاورشناسان وجود دارد که می‌تواند قابل استفاده باشد. در این نگارش

به تأثیر پذیری ایشان از اهل تسنن اشاره می‌شود و در مواردی به نقد پرداخته می‌شود بنابراین، اشکالات موجود به او، ناظر به انحرافات از مبانی اصلی تشیع است.

۲. آشنایی با حسینی طباطبائی و حیات علمی او

سید مصطفی حسینی طباطبائی در خانواده‌ای متدین و اهل علم به دنیا آمد. جدّ او، سید محمد طباطبائی از بنیانگذاران نهضت مشروطیت و مادر وی نیز دختر میرزا احمد آشتیانی است.

وی از دوران کودکی تحت تربیت و تعلیم پدر بزرگ خویش قرار داشت؛ پس از گذراندن دروس عربی و مقدّمات اجتهاد نزد مرحوم استاد دهقان، اصول فقه و فلسفه را در محضر جدّ خویش آموخته و در دوران جوانی بنا بر تأیید ایشان به مقام اجتهاد نائل گردید. بنا بر اظهار خود، بیشترین میزان تحصیلات دینی او در کلاس خصوصی پدر بزرگش، میرزا احمد آشتیانی بوده است (<http://www.mostafatabatabaie.net> و <http://aqeedah.com/author/48>).

حسینی طباطبائی را در تفسیر قرآن، شاگرد حاج میرزا یوسف شعار تبریزی دانسته‌اند. یوسف شعار مروج «مستقل با لفهم بودن» کل قرآن بود و این نگاه تا حدی در او نیز اثر گذاشت.

(<http://www.quraniun.com/index.php/quraniun1/mostafa-hosseini-tabataei>)

البته سایت عقیده (سایت تبلیغی وهابیت متعلق به عربستان سعودی) چنین گفته که حسینی طباطبائی در نوجوانی وارد حوزه‌ی علمیه‌ی قم شده و در حدود بیست سالگی از علمای آن روز مدرک اجتهاد گرفته است. وی هرگز لباس

روحانیت بر تن نکرده و همیشه دنبال تحقیق و کشف حقیقت بوده است. او در جوانی در جلسات بهائیت شرکت و مباحثات زیادی با آنان داشته و در جوانی کتاب‌هایی در رد بر بهائیت نوشته است (<http://www.mostafatabatabaie.net>) و (<http://aqeedeh.com/author/48>).

وی معتقد بود که نماز جمعه یک واجب خداوندی است که در میان جامعه‌ی شیعه به فراموشی سپرده شده و باید آن را احیاء نمود. به همین خاطر از همان موقع به اقامه‌ی آن اهتمام داشت و به قول یکی از یاران بسیار قدیمی اش از حدود چهل سال پیش حتی با دو نفر نماز جمعه می خواند. پس از آشنایی وی با برقی، نماز جمعه را با هم در مسجد گذر وزیر و پس از آن در منزلی در خیابان جمال زاده تهران می خواندند و پس از آن نیز نماز جمعه‌های حسینی طباطبائی با یارانش در منازل افراد و منزل پدری او در تجریش برگزار می‌گردد (<http://www.mostafatabatabaie.net> و <http://aqeedeh.com/author/48>). از متن یکی از خطبه‌های نماز جمعه او چنین معلوم می‌شود که آن جلسه مجلسی است که از زمان شریعت سنگلجی و برقی برقرار بوده و پس از انقلاب، حسینی طباطبائی سخنران و محور آن است (<http://sadaiislam.com/records/id/3053>).

به ادعای سایت او، که البته آثار او نیز مؤید آن است، طباطبائی در علوم مختلف اسلامی از جمله: فلسفه، منطق، اصول فقه، فقه، حدیث، تاریخ و به خصوص تفسیر قرآن کریم تبخّر داشته و پیوسته به تدریس آن علوم پرداخته است. وی در زمینه‌ی نقد فرهنگ، فلسفه و مکاتب مختلف غربی تبخّر خوبی داشته و در نقد روشنفکران و کج اندیشان با دلایل و براهین موفق بوده است. شعار او دعوت به «توحید و وحدت» و مخالفت با «سطحی‌نگری و خرافات

مذهبی» است. (http://www.mostafatabatabaie.net و http://aqeedeh.com/author/48)

۳. آثار سید مصطفی حسینی طباطبائی

فهرست آثار حسینی طباطبائی و متن آنها در سایت او (http://www.mostafatabatabaie.net/) وجود دارد در ادامه به معرفی آثار او پرداخته می‌شود و توضیحی اجمالی بر کلیات هر اثر ارائه می‌شود.

۱.۳. کتاب‌ها

۱- راهی به سوی وحدت اسلامی: (ذی القعدة ۱۴۰۰ ق) در راستای سفارشات قرآن کریم و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام و سایر پیشوایان اسلام بر وحدت و اتحاد در سایه‌ی کتاب الهی و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله نوشته شده است.

۲- خیانت در گزارش تاریخ: (ناشر: چاپخش، آخرین چاپ ۱۳۶۶ ش) در سه جلد، پاسخی است متین و مستدل بر کتاب ۲۳ سال، علی دشتی که به ظاهر شرح زندگانی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و در حقیقت در ردّ نبوت و رسالت آن حضرت نگاشته شده است.

۳- دین ستیزی نافرجام: (ناشر: انتشارات روزبه، ۱۳۸۰ ش) در دفاع از اسلام و توحید؛ پاسخی است بر کتاب «تولد ی دیگر» اثر: شجاع الدین شفا، که علیه‌ی ادیان الهی و اعتراض بر جمهوری اسلامی تألیف یافته است. مؤلف در صد و نود و چهار صفحه به دفاع از اسلام و ادیان الهی پرداخته اشکالات و شبهات را پاسخ داده است.

۴- نقد آثار خاورشناسان: (ناشر: چاپخش، ۱۳۷۵ ش) شامل نقد علمی آثار بیست تن از خاورشناسان مشهور هم‌چون نو لدکه، پطروشفسکی، گلدزیهر، بلاشر، لامنس، لوئی ما سینیون، ادوارد براون، هانری کربن و ...

این کتاب که دویست و بیست و سه صفحه می‌باشد از مهم‌ترین آثار حسینی طباطبائی است و حتی تصویر جلد این کتاب در صفحه‌ی اول سایت او قابل‌رؤیت است.

۵- ماجرای باب و بهاء: (این کتاب را انتشارات «توکلی» با نام «رهبران ضلالت» در سال ۱۳۷۸ ش چاپ کرده است). پژوهشی نو درباره‌ی بهائیگری و مستند به چهل و شش کتاب از مأخذ بابی و بهائی.

۶- دعوت مسیحیان به توحید: (چاپ پیام، ۱۳۷۹ ش) که در آن سابقه‌ی تثلیث و چگونگی نفوذ آن در مسیحیت و آثار زیان‌بار آن مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته و شخصیت واقعی و قرآنی حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام معرّفی گردیده است.

۷- روشنفکران اسلامی در برابر منطق یونان: (تیرماه ۱۳۵۸ ش) شرح مبسوطی است بر سیر منطق در عالم اسلام و نظرات نقّادان بزرگ اسلامی بر منطق ارسطویی و بالاخره مقایسه‌ی آراء نقّادان غربی و اسلامی.

۸- بردگی از دیدگاه اسلام: (ناشر: بنیاد دایرة‌المعارف اسلامی، ۱۳۷۲ ش) تحقیقی ارزشمند پیرامون بردگی در دوران قبل از اسلام و در بین ملل مختلف و دستور اسلام و رفتار مسلمین با اسرای جنگی، و آزادی بردگان و اسیران است.

۹- شیخ محمد عبده مصلح بزرگ مصر: (ناشر: انتشارات قلم، اسفند ۵۷ ش و پائیز ۶۲ ش) شامل زندگی‌نامه، مبارزات، اندیشه‌ها و همکاری ایشان با مرحوم

سید جمال الدین اسدآبادی.

۱۰- منهای معنویت: (چاپ اول و دوم: شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم: کاوش، اسفند ۵۶ ش) اعتراض گونه‌ای است بر افول معنویت در غرب و انحراف آن در شرق و دعوت مسلمین به وحدت و قیام و حرکت به سوی معنویت تحت لوای کتاب و سنت.

۱۱- اسلام و بت‌های غرب: (چاپ شمس، پاییز ۵۹ ش) در ساده‌اندیشی و غرض‌ورزی‌های بزرگان تفکر مادی نسبت به اسلام و ادیان الهی نوشته شده است.

۱۲- اعجاز عددی در قرآن کریم: (نشر ناشر، ۱۳۶۲ ش) تحقیق: عبدالرزاق نوفل مصری که توسط حسینی طباطبائی ترجمه و تکمیل گردیده است.

۱۳- نقد آراء ابن سینا در الهیات: (نشر ناشر، ۱۳۶۱ ش) در این کتاب نویسنده، نظرات معترضان بر آراء ابن سینا را آورده، و با یادآوری گوشه‌ای از سخنان پر ارزش وی در الهیات، به نقد علمی نظرات آن حکیم نامی در قاعده‌ی «الواحد» و تفسیر «نبوت» و موضوع «معاد» پرداخته است.

۱۴- حقارت سلمان رشدی: این کتاب که در سال ۱۳۶۸ ش به تعداد هزار نسخه چاپ گردیده، نقدی کلی بر کتاب سلمان رشدی است. او در این اثر تأکید کرده که کتاب سلمان رشدی کتاب علمی نیست تا لازم باشد بند به بند مورد نقد قرار گیرد زیرا به قول خودش رویاگونه‌ای نوشته شده است؛ لذا حسینی طباطبائی فقط به نقد ترندها و انگیزه‌های شیطانی او پرداخته است (حسینی طباطبائی، ۱۳۶۸ ش، ص ۹).

۱۵- نقد کتب حدیث: (۱۳۷۹ ش) ضمن یادآوری نقش مهم و مؤثر حدیث بعد از قرآن کریم در معرفی اسلام، برخی از احادیث که از نظر نویسندگان جعلی است، به نقد کشیده شده است.

نام دیگر این اثر «بررسی روایات ساختگی در کتب حدیث» است. تاریخ نوشتن کتاب که پس از مقدمه آمده ۱۴۲۱ ق مصادف با ۱۳۷۹ ش است. کتاب در کتابخانه‌ی ملی موجود نبود و از طریق لوح فشرده‌ی «عقیده» عربستان سعودی مطالعه گردید.

۱۶- فتح البیان فیما روی عن علی علیه السلام من تفسیر القرآن: (تفسیر امام علی علیه السلام) در ۱۳۸۲ شمسی، ضمن آوردن سخنان ارجمنندی از امام علی علیه السلام در بزرگداشت قرآن کریم، برخی از آنچه از آن حضرت در تفسیر آیات قرآن در آثار اسلامی آمده، در این مجموعه گردآوری و به فارسی ترجمه شده است.

۱۷- بین‌النهرین در روزگار خلفای راشدین: در چگونگی فتح بین‌النهرین و یادآوری این نکته که مسلمانان در این پیکارها آغازگر آشوب و جنگ نبودند و فتنه‌انگیزی از ناحیه‌ی دشمنان ایشان صورت می‌گرفته است. برخورد مسلمانان با ملل مغلوب نیز بنابر گزارش تاریخ و تأیید محققان اسلامی و غیر اسلامی، ملایمت‌آمیز و منصفانه‌تر از حاکمان قبلی هم‌کیش آنان بوده است.

۱۸- بررسی آراء اخباری و اصولی: (۱۳۸۳ ش) تحقیقی کامل در پیدایش علم اصول و شرحی مبسوط در آراء و نظرات علمای اخباری و اصولی پیرامون حجیت قرآن و حدیث.

۱۹- معانی باطنی در قرآن کریم: (۱۳۷۵ ش) تحقیقی در معانی باطنی آیات

قرآن است که در حقیقت پیام‌های معنوی است که به طور اشاری در قرآن کریم آمده و سیاق آیات بر آن‌ها دلالت دارند؛ زیرا در غیر این صورت هرکس برای اثبات مقاصد خود تحت عنوان باطن قرآن، ادعاهای خلاف قرآن خواهد کرد. هم چون تأویلات باطنیه و برخی از متصوفه و ...

۲۰- مراحل و منازل حج: (تهران، بهمن ۸۵) تقریر درس‌های او است در شرح، ماهیت، مراحل، منازل و اعمال حج. مباحث کتاب فقهی و استدلالی است.

۲.۳. مقالات

- ۱- «دفاع از تعدد زوجات اسلامی» / ۲- «سه مرز آفرینش» / ۳- «تفسیر بیان معانی در کلام ربّانی» / ۴- «اسلام‌پذیری ایرانیان» / ۵- «علی علیه السلام، نماینده‌ی عدالت و مروت در اسلام» / ۶- «در پاسخ به ایرادات دکتر سینا» / ۷- «محکومیت هم‌جنس‌گرایی» / ۸- «ملاحظات نافرجام درباره‌ی هم‌جنس‌گرایی» / ۹- «ثبات و حرکت در ذهن و خارج» / ۱۰- «زبان قوم نه فرهنگ ایشان» / ۱۱- «پرتوی از دولت فرخنده‌ی علوی» / ۱۲- «نقد ایراد نحوی بر قرآن» / ۱۳- «نقد مقاله‌ی «حجاب و پوشش سر و گردن» (۱ و ۲)» / ۱۴- «اسلام و اقطاب غربی» / ۱۵- «هانری کربن و باطنی‌گری» / ۱۶- «مسلمان آگاه را هراس از سخنان مخالف نیست!» / ۱۷- «قرآن در روزگار نو» / ۱۸- «حافظ در میان موافقان و مخالفان» / ۱۹- «اسلام تروریسم را محکوم می‌کند» / ۲۰- «تسامح و شدت عمل در اسلام» / ۲۱- «وحی قدسی» / ۲۲- «با فرهنگ اسلامی ستیزه نکنید» / ۲۳- «حیات نو در فرهنگ اسلامی» / ۲۴- «اجتهاد در برابر نص» / ۲۵- «مبانی تغییر احکام» / ۲۶- «نوگرایی در اجتهاد» / ۲۷- «بیان حقیقت درباره‌ی عزاداری‌های نامشروع» / ۲۸- «قرآن و

غلو درباره‌ی پیامبران» / ۲۹- «نماز جمعه نماز انقلابی و فراموش شده» / ۳۰-
 «فاصله‌ها را از علی عَلَيْهِ السَّلَام کم کنیم» / ۳۱- «ویژگی‌های بازار اسلامی» / ۳۲- «وحی
 قدسی نه وحی نفسی» / ۳۳- «پیوند دین و حکومت» / ۳۴- «علی بین التقصیر
 و الغلو» / ۳۵- «خدا و پیامبران در تورات و انجیل و قرآن» / ۳۶- «آیا سجده بر
 غیر زمین جایز است؟» / ۳۷- «رمز عجب!» / ۳۸- «محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیامبر رحمت و
 شمشیر» / ۳۹- «پاسخ به شبهات» / ۴۰- «رفع اشتباه و دفع افتراء!» / ۴۱- «قرآن
 بدون حدیث هم قابل فهم است» / ۴۲- «رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و تبیین آیات» / ۴۳-
 «زن در آیین زرتشتی و بهائی» / ۴۴- «مسئولیت و ایمان» / ۴۵- «نامه‌ی سرگشاده
 به مراجع تقلید» / ۴۶- «پاسخ به اشکالات مذهبی نسل جدید» / ۴۷- «دفاع از
 شمشیر اسلام» / ۴۸- «به سوی خدا» / ۴۹- «در پاسخ ایراد نحوی بر قرآن» /
 ۵۰- «در پاسخ مفتری» / ۵۱- «آیین زرتشت از دیدگاه ما» / ۵۲- سه مقاله:
 «انگیزه‌ی پژوهش علمی در تمدن اسلامی»، «چند قرن سکوت» و «مسلمانان و
 افراط و تفریط» / ۵۳- «دفاع از قرآن کریم» / ۵۴- «نقد روشن فکری دینی» / ۵۵-
 «اسلام ستیزی معاصر» / ۵۶- «نقد نظریه‌ی پلورالیسم دینی» / ۵۷- «ملاحظات
 درباره‌ی رویکرد انسان‌گرایانه در قرآن» / ۵۸- «نقد ترجمه‌ی و قعّة صقین» / ۵۹-
 نقد ترجمه‌ی الغارات. بسیاری از مقالاتی که در فهرست منتشر شده در سایت
 ایشان ذکر شده است، در بخش مقالات یا قسمت‌های دیگر سایت موجود نبود
 تا دائلود و بررسی کنیم.

۳.۳. سایت

وبسایت «سید مصطفی حسینی طباطبائی» به آدرس زیر است:

www.mostafatabatabaie.net

در این سایت کتاب‌ها، مقالات و آرشیو صوتی و تصویر سخنان او، به همراه گالری تصاویر و فهرست آثار و نیز ایمیل وی جهت برقراری ارتباط و مکاتبه و ... وجود دارد. کتاب‌ها و مقالات قابلیت دانلود داشته و هنگام بارگیری آنان در یکی دو جمله‌ی کوتاه، توضیحی درباره‌ی آن کتاب یا مقاله داده شده است تا خواننده قبل از دریافت اثر از محتوای اجمالی آن آگاه گردد.

بیست کتاب و چهل و چهار مقاله، هم‌اکنون در سایت موجود و قابل دریافت است. طبق آمار بازدیدی که در مقابل هر اثر قابل مشاهده است کتاب‌های او از حدود چهار هزار و هفتصد بار تا هشت هزار و هشتصد بار مشاهده و مقالات او نیز از حدود چهار هزار و چهارصد بار تا هفت هزار و هشتصد بار بازدید گردیده است. البته می‌دانیم که میزان واقعی این بازدیدها همواره کم‌تر از آن عددی است که در سایت مشاهده می‌شود.

در قسمت «درباره» مختصری درباره‌ی وی توضیح داده شده و به طور بسیار اجمالی ایشان معرفی شده است.

در قسمت «گالری ویدئوها» نیز فایل‌های تصویری سخنان او درباره‌ی موضوعات گوناگون آماده مشاهده و بارگیری است. اکثر این سخنان در دفتر مطالعه و کار وی ایراد و ضبط شده است.

بخشی از این ویدئوها عبارت است از:

پرسش‌هایی درباره‌ی بهائیت، پاسخ به بهرام مشیری درباره‌ی اهل رده، پاسخ به نامه‌ها، آیا بابیه یک نهضت اعتراضی بود؟ امام حسین ع و مبارزه

با ظلم، انصاف داشته باشیم، اصول تفسیر قرآن، روشنفکران دینی و مسئله‌ی همجنسگرایی، روزها فکر من این است و شب‌ها سخنم، چگونه از پیامبر ﷺ دفاع کنیم؟ چند سؤال اساسی درباره‌ی دیانت، پاسخ به قرآن‌پژوهی مغرضانه (راه درست در زندگی، شبی از شب‌های رمضان، بهرام مشیری و نقد روشن‌فکری دینی! دینداری و رفاه اجتماعی، در اعتراض به نسل‌کشی در میانمار، ذات اسلام چیست؟ درباره‌ی مرحوم برقی و مرحوم قلمداران، خط مشی آقای حسینی طباطبائی، پاسخ به مبلغ مسیحی، انسان و حقیقت زندگی، خشونت را مهار کنیم، معنویت چیست؟ مصاحبه درباره‌ی حدیث، حَقَّانِیت قرآن، تروریسم و مسلمانان امروز، عالم روحانی، اشاعره، معتزله، شهادت علمی، در انتقاد از برنامه‌ی افق (صدای آمریکا)، درباره‌ی حضرت فاطمه علیها السلام و اهل بیت علیهم السلام، درد دلی با شما، در نقد بهائیت، در دفاع از کتاب نقد کتب حدیث، تعارض نظریه‌ی تکامل و باور به وجود خدا و غیره.

آنچه به نظر مهم می‌آید این است که زوایای فکری او با دیگر علماء شیعه و آراء شاذ وی اصلاً در سایت، مؤکد نشده است و اگر کسی بدون اطلاع از نظرات شاذ وی و گرایش فکری او به اهل تسنن، سراغ سایت برود، احساس می‌کند که او نیز دانشمندی چون دیگر دانشمندان شیعه است.

۴.۳. سخنرانی‌ها

حسینی طباطبائی سال‌ها است که روزهای جمعه، نماز جمعه را در منزل پدری یا منزل دوستان و آشنایان برگزار کرده و در خطبه‌های آن سخنرانی موضوعی می‌کند. بنابر گفته‌ی خودش در یکی از این فایل‌های صوتی، هفته‌ای یکی دو

شب هم جلسه تفسیر قرآن دارد (<http://sadaislam.com/records/id/3048>).

صوت بسیاری از سخنرانی‌ها در سایت sadaislam.com بارگذاری شده و امکان دانلود دارد (در این سایت وی را با لقب علامه یاد کرده‌اند). البته بخش آرشیو صوتی سایت خودش هنوز تکمیل نشده و دریافت سخنرانی‌ها از سایت حسینی طباطبائی فعلاً امکان ندارد.

برخی موضوعاتی که درباره‌ی آنها سخنرانی کرده است، عبارتست از:

فهم قرآن، مرده پرستی، اربعین، بازگشت به قرآن، بدعت، درباره‌ی حضرت زهرا علیها السلام، دین خالص، نقد احادیث، وحدت، عاشورا، افراط و تفریط و غیره.

۴. رابطه‌ی حسینی طباطبائی با برقی

حسینی طباطبائی از دوستان و به تعبیری شاگردان و ملازمان برقی بوده است. در رابطه با نقطه‌ی آغاز آشنایی حسینی طباطبائی با برقی دو مطلب از قول خودشان نقل شده که هر دو را سایت عقیده آورده است. حسینی طباطبائی تعریف کرده که شنیدم در مسجد گذر وزیر عالمی هست که درس تفسیر قرآن دارد، شبی شرکت کردم و دیدم او «یس» را به (ای محمد قسم به تو) تفسیر می‌کند. بعد از ختم جلسه نزد او رفتم و گفتم حاج آقا یا و سین از حروف مقطعه هستند و «ی» با حرف یا ندا فرق دارد و توضیحات بعدی را دادم. برقی هم چنان گوش داد و و بعد از صحبت‌های من قدری فکر کرده و گفت: بله شما درست می‌گویید! این برای حسینی طباطبائی تعجب‌آور بود که یک روحانی سخنان یک فرد لباس شخصی را گوش دهد و بپذیرد.

برقی هم نقل کرده که در مسجد ما واعظی چند شب فقط در اثبات ولایت

علی علیه السلام سخنرانی کرد. پس از اعتراض من مبنی بر اینکه مگر کسی منکر ولایت شده است؟ معلوم شد بانی مجلس چنین درخواستی داشته و علت آن را چنین مطرح کرد که تازگی یک نفر سنی شده، گفتم: کیست؟ گفت: سید مصطفی! شما او را نمی‌شناسید او ساکن شمیران است.

برقعی گفته تا آن وقت ما سید مصطفی را نمی‌شناختیم بعدها معلوم شد او جوانی دانشمند و محقق فاضل و از ساکنین شمیران است که به هیچ‌وجه منکر ولایت و دوستی علی علیه السلام نیست بلکه خود را اولین دوستدار و پیرو حقیقی علی علیه السلام می‌داند و عقیده‌اش آن است که علی علیه السلام تابع دین است نه اصل دین و نه فرع دین (<http://aqeedeh.com/author/48>).

برخی معتقدند این دو شخصیت بر روی یکدیگر تأثیر داشته‌اند. گفته‌اند حسینی طباطبائی با استفاده از امکانات برقعی در مسجد گذر وزیر به مطرح ساختن خویش می‌پرداخته و با اثرگذاری منفی، بر خروج برقعی از جرگه‌ی شیعیان و ورود وی به دام سلفی‌گری سرعت بخشیده است.

(<http://www.quraniun.com/index.php/quraniun1/mostafa-hosseini-tabataei>)

برقعی در برخی آثارش به تناسب بحث، از حسینی طباطبائی و آثارش یاد و او را با القابی مانند «برادر مفضل ما جناب استاد سید مصطفی طباطبائی» تمجید کرده است (برقعی، عرض اخبار اصول بر قرآن و عقول، ص ۸۰) حسینی طباطبائی نیز در برخی آثارش از او به «علامه برقعی» نورالدین چهاردهی از حسینی طباطبائی به عنوان یار غار ابوالفضل برقعی نام می‌برد که البته در مراتب دانش، بیش از برقعی رنج برده است» (نک: چهاردهی، وهابیت و ریشه‌های آن، ص

(۲۱۱).

۵. موارد نشان دهنده‌ی تأثیر گرفتن حسینی طباطبائی از اهل تسنن

مصطفی حسینی طباطبائی بر خلاف برقی فقط در برخی امور خاص، سخنان وهابی‌پسند زده است و در اصول و مبانی، پایبندی خود را به تشیع نشان داده است.

در یک فایل تصویری که در سایت او قابل مشاهده است، وی ضمن رفع اتهام وهابی بودن از قلمداران و برقی درباره‌ی خود نیز همین مسأله را تأکید کرده و تصریح می‌کند که ما از جهات متعدد با این فرَق (سلفیه و وهابیت) تفاوت عقیده داریم. سپس به اختلافات توحیدی با آنان از جمله حمل به ظاهر کردن صفات خداوند که منجر به مرکب دانستن ذات حق می‌شود، اشاره کرده و تأکید می‌کند: «در مسأله‌ی تفاوت میان صحابه و تفاضل، ما حضرت امیر و اهل بیت علیهم‌السلام را افضل می‌دانیم. خود حضرت امیر علیه‌السلام در نهج البلاغه فرموده: «لا یقاسُ بآل محمد احد من هذه الامة» (<http://media.tabatabaie.net/video1909>).

در ویدئوی دیگری حسینی طباطبائی ضمن درد دل، به خط مشی خود اشاره کرده و چنین بیان می‌دارد که در آثار او همواره ملایمت بر شدت و توهین و ... غلبه دارد. به گفته‌ی خود هیچ‌گاه توهینی به بزرگان اسلام نکرده است و حتی وقتی کسی مثل علامه طباطبائی توسط برخی افراد مورد توهین قرار گرفت، وی دفاع کرده و در سایت او نیز منعکس شده است. او تصریح می‌کند:

ضمناً عرض کنم که من یک مسلمان آزاداندیش هستم. به اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام فوق‌العاده علاقمندم و افتخار خودم می‌دانم که پیرو آنها باشم.

بنابراین نه سنی هستیم و نه وهابی و نه ضد اهل بیت رسول خدا ﷺ. از این جهت خودم را یک مسلمان آزاداندیش محقق می‌دانم و دوستدار اهل بیت پیامبر ﷺ و احترام می‌گذارم به همه‌ی مسلمان‌هایی که از صدر اسلام از جاده‌ی حق و حقیقت خارج نشده‌اند (http://media.tabatabaienet/video1908).

وی در ادامه با ذکر کتاب‌های «خیانت در گزارش تاریخ» و «دین‌ستیزی نافرجام و پاسخ به شبهات دکتر سینا» و ... اعلام می‌کند که تمام نیرویش را برای دفاع از اصل اسلام گذاشته است و اخیراً کسی اهانت به علی ﷺ کرده و او جواب داده است (http://media.tabatabaienet/video1908).

ذکر این مطلب مهم است که بسیاری از گرایش‌های فکری حسینی طباطبائی به اهل تسنن، که در کتب و مقالات او کم‌تر دیده می‌شود، در سخنرانی‌های شفاهی او یافت می‌گردد. شاید به همین دلیل است که ورجانی درباره‌اش می‌گوید: «... جای بسی تأسف است که اذعان کند جناب آقای مصطفی حسینی طباطبائی "اسلام‌شناس و مفسری" است که حتی این جسارت را ندارد تا اعتقادات واقعی خود را مکتوب نماید!» (http://h-varjani.blogfa.com/post-44.aspx).

وی علت این مسأله را ترس از نقادی عالمانه آراء حسینی طباطبائی مطرح کرده و همان‌طور که ما نیز به آن رسیدیم، اعلام می‌کند که او در مکتوبات منتشرشده‌ی عمومی خود، به مطالب دوپهلوی می‌پردازد، اما در مقابل، هنگام سخنرانی در جلسات خصوصی، با شدتی هرچه تمام‌تر به اعتقادات اصیل شیعه حمله‌ور می‌شود. علت آن هم این است که شنوندگان ایشان در این جلسات (متأسفانه) از اطلاعاتی سطحی درباره‌ی اعتقادات شیعه برخوردارند.

.(http://h-varjani.blogfa.com/post-44.aspx)

در هر صورت، چاره‌ای نیست جز آنکه ما نیز بر اساس آثار و مکتوبات این شخصیت او را ارزیابی کنیم. با این حساب ما او را سنی نمی‌دانیم ولی تمایلات فکری او به اهل تسنن در برخی مسائل مهم نیز قابل انکار نیست. در اینجا برخی سخنان او که گرایش به اندیشه‌های اهل تسنن دارد را بدون نقد و پاسخگوئی نقل می‌کنیم:

۱.۵. تردید در مسائلی چون زیارت، ولایت تکوینی و توسل به

اهل بیت علیهم‌السلام

حسینی طباطبائی هیچ‌گاه مانند برقی مسائل ولایتی را به صراحت نفی نکرده است، اما در آثارش طعنه‌هایی به این مباحث زده است. مثلاً:

... امامان و پیشوایان مذهبی در میان ما به ارباب انواع شبیه‌ترند تا به راهنمایان زندگی، به همین دلیل در نیازها رو به سوی آنان داریم و برای ایشان علاوه بر ولایت دینی، تصرف ولایتی و ولایت تکوینی! قائل هستیم و بیشتر از روی آوردن به مساجد به سوی قبور آنها «شدِّ رحال» می‌کنیم و خانه‌های خدا را خالی گذاشته مقابر بندگان خدا را پر کرده‌ایم و گورها را با زر و سیم زینت نموده و به دور آنها طواف می‌کنیم و استغاثه می‌نماییم و حاجت می‌طلبیم و زاری می‌کنیم و یاری می‌جوییم ... و این مبالغه‌ها همانست که پیغمبر ما محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سال‌ها بر ضد آنها مبارزه کرد، و قرآن او و سنت او و زندگی او سراسر از این نبرد حکایت می‌کند (حسینی طباطبائی، ۱۳۷۸ ش، ص ۴۹ تا ۵۱).

او در پاورقی همین مطلب به این سخن اعتراض کرده که می‌گویند: «امام و

و لئى حق، چون بخواهد و ميل کند در هر چيز تأثير و نفوذ مى‌نماید و کائنات را خاضع مى‌سازد». وی این اعتقاد را خلاف آیه‌ی پنجاه و شش سوره‌ی قصص مى‌داند که مى‌فرماید: ﴿إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ﴾^۱ یعنی: تو هر که را دوست داشته باشی هدایت نتوانی کرد لیکن خدا هر کسی را بخواهد هدایت مى‌کند! هم‌چنین چنین عقایدی را مخالف آیاتی مانند پنجاه سوره‌ی عنکبوت دانسته است: ﴿قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾^۲ یعنی: بگو: آیات فقط نزد خدا و قدرت او است و من، تنها بیم‌دهنده‌ای هستم که آشکارا اعلام خطر مى‌کنم». او معتقد است از این آیات در قرآن فراوان است اما ما با جسارت تمام، این محکومات را تأویل مى‌کنیم (حسینی طباطبائی، ۱۳۷۸ ش، ص ۴۹ تا ۵۱).

باید افزود جملاتی مانند جمله فوق، نیازمند بررسی است که از چه کسی صادر شده و حرف گوینده در چه درجه اعتبار و حجیت است؟ آیا این سخن ریشه در قرآن و نقل صحیح دارد یا خیر؟ و ... اگر هم سخنی فرضی است، شبیه به این فرضیات را زیاد مى‌توان ساخت و به نقدش پرداخت.

حسینی طباطبائی در یکی از سخنرانی‌هایش به کسانی که در مشهد فرزندان‌شان شفا مى‌گیرند و آن را به امام رضا علیه‌السلام نسبت مى‌دهند انتقاد کرده و آن را خیال شخص مى‌داند در حالی که خداوند فرموده: «ما بکم من نعمة فمن الله» و لذا او آن شخص را گرفتار استدراج الهی مى‌داند (<http://sadaislam.com/records/id/3312>).

این سخن او در حالی بیان مى‌شود که همه شیعیان و محبین اهل بیت علیهم‌السلام، امام رضا علیه‌السلام را حجت خدا مى‌دانند که به قدرت الهی کراماتی مى‌کند. آنکه

فرزندش شفا یافته هم می‌داند که این خداوند است که به وسیله‌ی امام رضا علیه السلام فرزندش را شفا داده است. نعمت‌های الهی بیش از همه‌جا در این حرم‌های مطهر نازل می‌شود.

وی در خطوط پایانی یکی از مقالاتش نیز ضمن گریزی به بحث «غلو» و حساسیت اسلام در بحث توحید و شرک، این روایت نبوی را طرح می‌کند که فرمود: «لا تَرْفَعُونِي فَوْقَ حَقِّي فَانَ اللّٰهَ اتَّخَذَنِي عَبْدًا قَبْلَ ان يَتَّخِذَنِي نَبِيًّا» (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ ق، ج ۲، ص ۲۰۱) یعنی: «مرا از آنچه حق من است بالاتر نبرید که خداوند پیش از آنکه مرا به پیامبری گیرد، به بندگی گرفته است. سپس تأکید می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در روزهای واپسین عمر خویش فرمود: «لاتتخذوا قبری قبلهً و لا مسجداً» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۱۷۸) یعنی: قبر مرا قبله و مسجد قرار مدهید؛ و از این روایات خدشه به موضوع زیارت در شیعه را هدف قرار می‌دهد (حسینی طباطبائی، «تسامح و شدت عمل در اسلام»، ص ۱۱، برگرفته از سایت طباطبائی).

او هم‌چنین در بحث توحید عبادت به عدم اختلاف میان فرق اسلامی پرداخته و از آیات قرآن استخراج می‌کند که نماز و قربانی و طواف و عکوف و نذر، همگی اختصاص به خدای تعالی دارد (حسینی طباطبائی، راهی به سوی وحدت اسلامی، ص ۹۳) او ضمن بیان برخی روایات شیعی در این زمینه، بدون اشاره به اختلاف فتاویٰ علما و ادله مدافعان، می‌نویسد:

اگر کسی از علماء و برادران اهل سنت، ملاحظه کردند که عوام شیعه در اطراف قبور طواف می‌کنند یا برای صاحب قبر قربانی و نذر می‌نمایند و امثال این

انحرافات، باید توجه داشته باشند که این امور ناپسند موافق با آثار اهل بیت علیهم‌السلام و مذهب ایشان نیست و هم‌چنین ربطی به فتاوی‌ی مجتهدان بزرگ شیعی ندارد زیرا آنها به حرمت این اعمال در کتب خود تصریح کرده‌اند (همان، ص ۹۴).

البته سپس اشاره می‌کند که در میان عوام اهل‌تسنن نیز امثال این خلاف‌کاری‌ها بر سر قبور اقطاب و مشایخ بسیار دیده می‌شود.

حسینی طباطبائی در نوشته‌ی دیگر خود با استناد به آیه‌ی صد و دوازده سوره‌ی شعراء ﴿قَالَ وَ مَا عَلِمَیْ بِمَا كَانُوا یَعْمَلُونَ﴾ یعنی: نوح گفت: «من چه می‌دانم آنها چه کاری داشته‌اند؟» که عدم علم حضرت نوح را می‌رساند، و آیه‌ی بیست و پنج سوره‌ی ذاریات که عدم شناخت حضرت ابراهیم را نسبت به فرشتگان الهی می‌رساند و حتی آیه‌ی صد و یک سوره توبه که بی‌اطلاعی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را نسبت به منافقان مدینه بیان می‌دارد ﴿وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِیْنَةِ مَرَدُوا عَلَی التَّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ﴾: و از اهل مدینه (نیز)، گروهی سخت به نفاق پای بندند. تو آنها را نمی‌شناسی، ولی ما آنها را می‌شناسیم، اثبات می‌کند که رسولان الهی و حتی رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در دنیا دانش محدودی داشته‌اند و سپس می‌گوید وقتی در دنیا علمشان محدود باشد مسلماً در جهان دیگر ناآگاه‌تر خواهند بود و به داستان مرگ صدساله حضرت عزیر و عدم اطلاعش از مدت زمان مرگش و ... (البقره، ۲۰۴) استناد می‌کند (حسینی طباطبائی، «قرآن و غلو درباره‌ی پیامبران»، ص ۲ تا ۵، برگرفته از سایت طباطبائی) ناگفته نماند این سخن حسینی طباطبائی اشتباه است زیرا به تصریح آیه‌ی ۲۲ سوره‌ی ق حتی منکران نیز پس از مرگ مطلع‌تر از دنیا می‌شوند، چه برسد به انبیاء و اولیاء: ﴿لَقَدْ كُنْتَ فِی غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْیَوْمَ حَدِیدٌ﴾ یعنی: به

او می‌گویند واقعاً که از این [حال] سخت در غفلت بودی ولی ما پندهات را [از جلوی چشمانت] برداشتیم و دیده‌ات امروز تیز است.

وی ادامه می‌دهد و می‌گوید کسانی که «زیغ» در دل دارند این آیات محکم را رها کرده و معتقدند انبیاء و اولیاء الهی همه جا حاضر و ناظر هستند و از احوال خلق آگاهند و می‌توان به آنها متوسل شد (همان، ص ۶). پس او علاوه بر علم معصومان علیهم‌السلام، توسل به آنان را نیز زیر سؤال برده است.

او که معتقد است، تشیع اسلامی در طول تاریخ دچار دگرگونی شده و چهره‌ی اصلی خود را نگاه نداشته است (حسینی طباطبائی، ۱۳۵۷ ش، ص ۲۳) کتابی درباره‌ی زندگی شیخ محمد عبده نوشته است و با متنی که لحن تأیید دارد نگاه سلفی او را مطرح کرده است.

عبده در تفسیر المنار، جلد یک، صفحه پنجاه و نه گفته است: «... از اینجا خواهید دانست کسانی که در برآورده شدن نیازهای خود و آسان شدن کارشان و بهبودی بیماری‌های خویش و... به صاحبان ضریح و اهل قبور پناه می‌برند از راه توحید منحرف شده و از یاد خدا روی گردانند!» (همان، ص ۱۰۳).

۲.۵. تردید در مسأله‌ی عزاداری و نفی برخی مصادیق آن

یکی از مسائلی که حسینی طباطبائی در آن دارای آراء ناهم‌سو با علماء شیعه است، بحث عزاداری است. عزاداری برای سیدالشهداء علیه‌السلام که همواره در جامعه‌ی شیعی به عنوان یکی از شعائر دینی، مورد تأکید علماء بوده، توسط حسینی طباطبائی به نقد کشیده شده است.

وی در یکی از سخنرانی‌های نماز جمعه، درباره‌ی بدعت در عمل، عزاداری را

یکی از مصادیق مهم آن دانسته و معتقد است بدعت‌های ایجاد شده در عزاداری مانند زنجیرزنی و سینه‌زنی! که اصلاً در اسلام وجود نداشته است، ریشه در یک فلسفه‌ی غلط دارد که حتی برخی بزرگان به آن قائل هستند.

وی با اشاره به یکی از اشعار میرزا حبیب‌الله قآنی معروف به مجتهدالشعراء، که شرط شفاعت امام حسین علیه السلام را نوحه و بکاء بر آن حضرت دانسته، طرح چنین فلسفه‌ای درباره‌ی حادثه کربلا را سرمنشأ بدعت‌هایی مانند سینه‌زنی و زنجیرزنی دانسته است (<http://sadaislam.com/records/id/3057>).

اجمالاً عرض شود که ما نیز چنین فلسفه‌ای را برای شهادت امام حسین علیه السلام درست نمی‌دانیم. اینکه هدف شهادت حضرت، دست‌گیری از شیعیان و راه نیل به آن گریه بر مصائب ایشان باشد، مورد قبول بسیاری از اندیشمندان معاصر نیست. (ر. ک. تاریخ قیام و مقتل جامع سیدالشهداء علیه السلام، ج ۱، فصل ششم) لکن این دلیل بر نفی عزاداری و گریه بر امام حسین علیه السلام نمی‌شود.

حسینی طباطبائی در سخنرانی دیگری نیز ضمن تفسیر آیه‌ی ﴿الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَ لَعِبًا﴾ یعنی: همان‌ها که دین و آیین خود را سرگرمی و بازیچه گرفتند سینه‌زنی و روضه‌خوانی را مصداق سرگرمی و بازیچه در دین دانسته است (<http://sadaislam.com/records/id/3312>).

وی در جای دیگری، وظیفه‌ی اصلی حکومت دینی را تزکیه مردم دانسته و راه تزکیه را هم مبارزه با خرافات اعلام کرده است. سپس بیان داشته که انقلاب ما با سخنرانی‌های شریعتی جان گرفت و جوانان فوج فوج آمدند زیرا او با خرافات مبارزه کرد. در ادامه به عنوان مثال بیان می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله با این خرافه

مبارزه کرد که اعراب هنگام مرگ کسی خود را کتک می‌زدند ولی پیامبر ﷺ فرمود از ما نیست کسی که چنین رفتاری را انجام دهد.

حسینی طباطبائی بدون توجه به خصائص ویژه‌ی سیدالشهداء ﷺ و مصیبتش و تفاوت این عزاداری با عزاداری بر اموات عادی، با کنایه می‌گوید: «الان که بدتر است! زنجیر می‌زنند» (<http://sadaislam.com/records/id/3073>).

وی در زمینه عزاداری امام حسین ﷺ مقاله‌ای هم با نام «بیان حقیقت درباره‌ی عزاداری‌های نامشروع» نوشته و در آن به تحریم قمه‌زنی و زنجیرزنی در اسلام پرداخته است. اگرچه حادثه کربلا را بزرگ‌ترین مصائب تاریخ اسلام دانسته است اما به پیدایش برخی الگوهای عزاداری مثل قمه‌زنی و زنجیرزنی در قرون اخیر اشاره کرده و از علامه سید محسن امین عاملی که در «التنزیه فی اعمال الشبیه» به مخالفت با قمه‌زنی و زنجیرزنی و سینه‌کوبی پرداخته بوده، تمجید کرده است.

دلائل او به چند دسته تقسیم شده است: ۱. نهی قرآنی ۲. نهی نبوی ۳. نهی خاندان پیامبر ﷺ ۴. اجماع قدمای امامیه. تمام ادله او دارای جواب‌های فراوان فقهی و کلامی است که جا دارد در مقاله‌ای به آن پرداخته شود.

۳.۵. نفی اعیاد و مناسبت‌های شیعی

از دیگر آراء شاذ حسینی طباطبائی نفی مناسبت‌های مذهبی اعم از برگزاری مراسم اعیاد یا شهادت‌های امامان است که می‌تواند فاصله از جامعه‌ی شیعی و گرایش به وهابیت محسوب گردد زیرا حتی اهل تسنن نیز به مناسبت‌های مذهبی می‌پردازند.

او معتقد است فقط عید فطر و اضحی دو عید اصیل اسلام است که خالصاً برای خدا است و تمرکز بر افراد گوناگون مانند دیگر اعیاد مذهبی مطرح نیست. عید خود خدا است ولی عیدهای دیگر مذهبی را مردم ساخته‌اند و در متن دین نیست. مانند ولادت‌ها و ... (http://sadaislam.com/records/id/3267).

وی به بزرگداشت روز اربعین نیز انتقاد کرده و تأکید می‌کند که باید به جای آن، اعیاد اسلامی مانند: فطر و قربان را بها داد. سپس به مردم عزادار اعتراض می‌کند که چرا انفاق‌هایتان را در فطر و قربان نمی‌کنید و در روزهایی که مردم ساخته‌اند انجام می‌دهید؟! (http://sadaislam.com/records/id/3312).

۴.۵. عمل به فقه اهل تسنن

سید محمد تقی حسینی ورجانی که سال‌ها با این آقایان زندگی کرده است مبتنی بر مشاهدات عینی خود می‌گوید:

آقایان ابوالفضل برقی و حیدر علی قلمداران در نماز دست باز نماز می‌خواندند و در وضو سر و پاها را مسح می‌کردند، در صورتی که آقای مصطفی حسینی طباطبائی پایش را به جای مسح می‌شست و مهر نمی‌گذاشت بلکه حصیری زیرپایش پهن می‌کرد و برخی مواقع روی فرش سجده می‌کرد. وی در نماز واجب دست باز نماز می‌خواند و البته شنیده‌شده در نماز مستحبی دست بسته هم نماز خوانده است (http://h-varjani.blogfa.com/post-450.aspx).

۵.۵. نشر آثار او در عربستان سعودی

محتوای برخی آثار حسینی طباطبائی به گونه‌ای است که سایت‌ها و

شبکه‌های تبلیغی اهل تسنن و وهابیت از آنها برای تبلیغ افکار خود استفاده می‌کنند؛ لذا سایت عقیده در عربستان که عقائد وهابی را ترویج می‌کند، بسیاری از نوشته‌های او را بارگذاری کرده است.

البته خود حسینی طباطبائی به دلیل حجمه‌های پیش‌آمده، از این کار اعلام نارضایتی کرده و با بیان عدم علاقه‌اش به ورود در فضاهای جنجالی، در یک ویدئویی موجود در سایتش از کانال‌ها و سایت‌ها خواهش کرده است که نوارها و سخنان او را استفاده و پخش نکنند (<http://media.tabatabaienet/video1908>).

علی‌رغم این صحبت، باید گفت محتوای مطالب او وهابی‌پسند بوده است وگرنه چرا کتب و مقالات دیگر شیعیان را نشر نمی‌دهند؟ با جستجو در سایت‌های اینترنتی می‌توان پایگاه‌ها و وبلاگ‌های فراوانی از اهل تسنن و وهابیت را پیدا کرد که مطالب ایشان را منتشر کرده و از او به نیکی یاد می‌کنند.

۶.۵. شواهد و قرائن دیگر

آنچه در این قسمت ذکر می‌کنیم «شواهدی» است که شاید نتوان آنها را «ادله» دانست ولی از کنارشان نیز نمی‌شود به راحتی گذر کرد:

الف) حسینی ورجانی نقل کرده است که در زمان دفن برقی، حسینی طباطبائی نگذاشت تلقین خوانده شود و به جای آن سخنرانی کرد.

(<http://h-varjani.blogfa.com/post-450.aspx>)

ب) هم‌چنین وی نقل کرده که حسینی طباطبائی با شنیدن عبارت «ایمان به انبیای الهی و ائمه علیهم‌السلام» در و صیتنامه برقی، رنگش سرخ و بسیار ناراحت

شده و برقی را از خواندن ادامه متن منصرف کرده است.

(<http://h-varjani.blogfa.com/post-450.aspx>)

ج) وی به نجات بخشی محبت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ و شفاعت، طعنه زده و معتقد است قرآن تمام اینها را رد کرده است. او این عقاید را ناشی از غرورهای مذهبی می‌داند. در یکی از سخنرانی‌هایش به شعر معروف «آنچه خدا از همگان طالب است - عشق علی بن ابی طالب است» انتقاد کرده و آن را به «پیروی پور ابی طالب است» تغییر داده است (<http://sadaislam.com/records/id/3025>).

البته علماء زیادی هستند که محبت بدون عمل را مایه‌ی نجات نمی‌دانند.

د) حسینی طباطبائی حجت الله بودن امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ را انکار می‌کند. دلیل او نیز آن است که اگر حجت خدا غایب شده باشد، مشکلی ایجاد می‌شود و آن این است که دیگر اتمام حجت نخواهد شد و مردم بدون حجت می‌مانند. او با اشاره به عبارت قرآنی «وَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ» یعنی: خداوند دارای حجت رسا است، می‌گوید: اگر حجت غایب باشد دیگر حجت خدا بالغه و رسا نخواهد بود و اتمام حجت نخواهد شد.

او بدون ذکر روایتی که از خود حضرت نقل شده و علما و فقها را در زمان غیبت، حجت بر مردم معرفی کرده است: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقَعَةُ فَأَرْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.» (شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۴) می‌گوید: «قرآن و سنت قطعی پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که الان در دسترس است حجت بالغه خدا بر ماست، و حجتی که غائب است حجت محسوب نمی‌شود (<http://sadaislam.com/records/view/id/3024>).

ه) تأکید بر «اخذ دین از سلف صالح» نیز از مسائلی است که صبغه وهابی دارد. او با بیان اینکه قدمای شیعه نیز بر این باور بوده‌اند و با اهل تسنن در این موضوع اختلاف نداشته‌اند، ضمن انتساب آنچه خود غلو می‌داند به متأخران، تصریح می‌کند: «پس، اسلام راستین را باید از سلف صالح گرفت و به عبارت دیگر باید ملاحظه کرد تا در صدر اسلام چه خبر بوده، نه آنکه فلان محدث و روضه خوان در قرن ما چه می‌گویند؟!» (حسینی طباطبائی، ۱۴۰۱ ق، ص ۳۰۶).

و) حسینی طباطبائی در موضوع «آگاهی از غیب» به روایت بصائر الدرجات اشکال کرده است. روایتی که می‌گوید: «إِنَّ الْإِمَامَ إِذَا شَاءَ أَنْ يَعْلَمَ عِلْمَ» (صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۳۱۵) یعنی: «امام همین‌که بخواهد چیزی را بداند، از آن آگاه خواهد شد». وی ضمن تضعیف این کتاب، روایت فوق را مخالف با تاریخ زندگی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دانسته است زیرا پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از راه وحی بر حقایق امور آگاهی می‌یافت و جریان وحی در اختیار او قرار نداشت. شاهد او نیز دوران «فترتِ وحی» است که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از تأخیر وحی و دیر آمدن آن رنج فراوان برد. اگرچه علمای زیادی ضمن صحه بر این روایات، پاسخ سؤالات و شبهات را در این باره داده‌اند، اما او معتقد است که نباید احادیث ضعیف را بر آیات قرآن و گواهی تاریخ ترجیح داد (حسینی طباطبائی، ۱۳۶۳ ش، ص ۳۰۷ و ۳۰۸).

ز) او در بسیاری از آثارش عنایت کمتری به مجامع روایی شیعه دارد و اکثراً از اهل تسنن حدیث نقل می‌کند (برای مثال ن. ک: حسینی طباطبائی، ۱۳۶۶ ش).

ح) حسینی طباطبائی ذکر علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ را هم عبادت نمی‌داند: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ... ذِكْرُ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ (شیخ مفید، الاختصاص، ص ۲۲۴) و می‌گوید: «ذکر

مخلوق که عبادت نمی‌شود! این کفریاتی است که مردم را از دین دور می‌کند»
(<http://sadaislam.com/records/id/3053>).

ناگفته نماند قرآن بارها با فعل امر دستور به یاد کردن (ذکر) مخلوق داده است و این امر نشان‌دهنده‌ی عبادت بودن آن است: ﴿وَأذْكَرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ ...﴾ (ص، ۴۱) ﴿وَأذْكَرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ ...﴾ (مریم، ۱۶) و غیره.

۶. نتیجه‌گیری

بر اساس دلایل ذکر شده مشخص گردید که سیدمصطفی حسینی طباطبایی متأثر از اهل تسنن بوده است و از برخی از دیدگاه‌های شیعی فاصله گرفته است. دلایل فراوانی بر این مسئله وجود دارد از جمله، او با سید ابوالفضل برقی در ارتباط بوده و برقی در کتاب‌های خود از او تمجیدهایی کرده و به کتاب‌های طباطبایی ارجاع داده است. با توجه به شخصیت سید ابوالفضل برقی، ارتباط طباطبایی با او دلیل بر همسویی افکارشان با هم است. هم‌چنین طباطبایی توسل و زیارت را صحیح نمی‌داند. او عیدهای اسلامی را عید فطر و عید قربان می‌داند و بقیه‌ی مراسم‌ها مانند تولد اهل بیت علیهم‌السلام و شهادت‌ها را ساخته‌ی بشر می‌داند در برخی موارد به فقه اهل تسنن عمل می‌کند برای مثال به جای مسح پا آنها را مانند اهل تسنن می‌شوید و از مهر برای نماز استفاده نمی‌کند. آثار او در عربستان و در وب‌سایت‌های اهل تسنن منتشر و تبلیغ می‌شود که همه و همه نشان‌دهنده‌ی متأثر بودن حسینی طباطبایی از اهل تسنن می‌باشد.

منابع

۱. قرآن کریم.

۲. همو، *اسلام و بت‌های غرب و منهای معنویت*، تهران: بی‌نا، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ش.
۳. همو، *بردگی از دیدگاه اسلام*، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.
۴. همو، *بررسی آراء اخباری و اصولی*، تهران: ناشر: مصطفی حسینی طباطبائی، ۱۳۸۴ ش.
۵. همو، *بین‌النهرین در روزگار خلفای راشدین*، تهران: بی‌نا، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
۶. همو، *حقارت سلمان رشدی*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.
۷. همو، *خیانت در گزارش تاریخ*، جلد ۱، تهران: چاپخش، ۱۴۰۱ ق.
۸. همو، *خیانت در گزارش تاریخ*، جلد ۲، تهران: انتشارات چاپخش، ۱۳۶۳ ش.
۹. همو، *خیانت در گزارش تاریخ*، جلد ۳، تهران: انتشارات چاپخش، ۱۳۶۶ ش.
۱۰. همو، *دعوت مسیحیان به توحید*، تهران: ناشر: مصطفی حسینی طباطبائی، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش.
۱۱. همو، *دین ستیزی نافرجام*، تهران: انتشارات روزنه، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
۱۲. همو، *راهی به سوی وحدت اسلامی*، تهران: بی‌نا، بی‌تا.
۱۳. همو، *روشنفکران اسلامی در برابر منطق یونان*، تهران: انتشارات قلم، ۱۳۸۵ ش.
۱۴. همو، *شیخ محمد عبده مصلح بزرگ مصر*، تهران: انتشارات قلم، ۱۳۵۷

ش.

۱۵. همو، فتح البیان فیما روی عن علی علیه السلام من تفسیر القرآن، تهران: ناشر: مصطفی حسینی طباطبائی، ۱۳۸۲ ش.

۱۶. همو، ماجرای باب و بهاء، چاپ دوم، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۹ ش.

۱۷. همو، نقد آثار خاورشناسان، چاپ اول، تهران، انتشارات چاپخش، ۱۳۷۵ ش.

۱۸. همو، نقد آراء ابن سینا در الهیات، تهران: نشر ناشر، چاپ اول، ۱۳۶۱ ش.

۱۹. همو، نقد کتب حدیث، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۲۰. حسینی تهرانی، سید محمد حسین، امام شناسی، مشهد: انتشارات علامه طباطبائی، چاپ سوم، ۱۴۲۶ ق.

۲۱. صدوق، ابن بابویه، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ش.

۲۲. همو، من لا یحضره الفقیه، چاپ ششم، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۴۱۳ ق.

سایت‌ها

<http://aqeedeh.com>

<http://aparat.com>

<http://h-varjani.blogfa.com>

<http://quraniun.com>

<http://sadaislam.com>

<http://tabatabaie.net>